

مرگ یک دانش آموز در کاشمر

گزارش «اعتماد» از ایست قلبی پسری ۱۲ ساله در حیات مدرسه اش

مادر مهدی نیازی: پسر من مشکلی قلبی داشت و نه هیچ چیز دیگر

بهاره شبانکارئیان

توضیح «اعتماد»: این گزارش بر اساس صحبت‌های مادر و پسرعموی «مهدی نیازی» دانش‌آموز ۱۲ ساله‌ای که در مدرسه‌اش در شهرستان کاشمر دچار ایست قلبی شد و همچنین دادستان و مسوول روابط عمومی فرمانداری شهرستان کاشمر، تنظیم شده است.

دوشنبه پانزدهم اسفندماه جاری؛ «مهدی نیازی» ۱۲ ساله اهل «روستای مزده» از توابع بخش مرکزی شهرستان خلیل‌آباد در استان خراسان رضوی به علت ایست قلبی در مدرسه حالش بد شد و پس از انتقال به بیمارستان حضرت ابوالفضل، جان‌اش را از دست داد.

حالا «اعتماد» پس از پیگیری‌های مکرر توانسته طی مصاحبه‌ای با خانواده، دادستان و مسوول روابط عمومی فرمانداری شهرستان کاشمر، گزارشی در ارتباط با ایست قلبی این دانش‌آموز ۱۲ ساله تنظیم کند.

صحنه اول؛ خانه‌ای در روستای مزده

مزده؛ روستایی در شهرستان خلیل‌آباد استان خراسان رضوی. خانه‌ای در همان روستا. مهدی فرزند سوم خانواده، طبق روال همیشه قبل از رفتن به مدرسه مادرش را بوسید و از خانه خارج شد.

صحنه دوم؛ مدرسه نمونه دانش

کاشمر؛ حیات مدرسه «نمونه دانش». زنگ ورزش. روی زمین پسری افتاده. بالای سر او دانش‌آموزان، مدیر و دیگران زمزمه می‌کنند و منتظر رسیدن اورژانس هستند.

صحنه سوم؛ بیمارستان حضرت ابوالفضل

اورژانس مهدی را به بیمارستان حضرت ابوالفضل در کاشمر منتقل می‌کند. علایم حیاتی به شدت ضعیف شده. برای چند دقیقه علایم حیاتی

برمی‌گردد اما مجدد علایم حیاتی ضعیف می‌شود و مهدی فوت می‌کند.

صحنه چهارم؛ پیگیری از اهالی

با پیگیری‌های خبرنگار اعتماد مشخص می‌شود که خانواده این دانش‌آموز ساکن روستای مزده هستند و فقط مدرسه مهدی در شهرستان کاشمر بوده. اهالی بنا به دلایلی خاص خود، حاضر نیستند شماره‌ای از خانواده مهدی در اختیار بگذارند تا اینکه یکی از اهالی حاضر به همکاری می‌شود.

صحنه پنجم؛ مادر مهدی

خانم عباسی‌زاده، مادر مهدی است. این زن داغ‌دیده به پرسش‌هایی مرتبط با جان‌باختن فرزندش پاسخ می‌دهد که در ادامه آورده شده است:

اعلام شده فوت مهدی به دلیل ایست قلبی بوده، این موضوع چقدر

صحت دارد؟

این طور به ما گفتند، اما هنوز چیزی مشخص نشده است. همان روز پیکر را برای کالبدشکافی به پزشکی قانونی منتقل کردند و چهارشنبه ۱۷ اسفندماه مراسم خاکسپاری را در روستای خودمان (مزده) انجام دادیم.

مهدی فرزند چندم شما بود؟

فرزند سوم و آخر من بود. برادر بزرگ‌تر مهدی چهارده سال پیش وقتی ۶ سال داشت در منبع آب باغ‌مان افتاد و خفه شد. حدود یکسال و نیم پیش هم در باغ‌مان به سمت همسرم با اسلحه شکاری شلیک شد و او درگذشت. یک نفر در باغ‌های اطراف شلیک کرده بود. حالا عمده بود یا غیرعمده نمی‌دانیم. ما شکایت کردیم ولی ضارب آزاد است و برای خودش می‌چرخد. بعد از شکایت ما ضارب مدعی شد که شلیک از سمت او نبوده.

مهدی مشکل قلبی داشت؟

نه. اصلاً. مهدی هیچ مشکلی نداشت. بچه‌ام خوب و سالم بود.

با توجه به اینکه مدرسه مهدی کاشمر بود با سرویس رفت و آمد

می‌کرد؟

نه. کلاً پنج دانش‌آموز از روستای ما به کاشمر می‌رفتند. با اولیای دانش‌آموزان دیگر قرار گذاشته بودیم هر روز یکی از والدین این پنج دانش‌آموز را به مدرسه ببرد. از مزده تا کاشمر با ماشین ده دقیقه راه است.

آن روز مهدی و چهار دانش‌آموز دیگر با چه کسی به مدرسه رفتند؟

آیا آن فرد صحبتی مبني بر اینکه مهدی آن روز حالش بد شده باشد، نکرد؟

آن روز با آقای جلیلی پدر یکی از دانش‌آموزان به مدرسه رفتند. نه،

اصلا ایشان هم چنین صحبتی نکرد. مهدی عادت داشت هر روز صبح قبل از رفتن مدرسه مرا ببوسد و خدا حافظی کند. آن روز صبح هم پسر مرا بوسید و گفت؛ ماما جان خدا حافظ. خوب و خوش از خانه بیرون رفت. مهدی حتی وقتی علایم سرماخوردگی داشت من نمی‌گذاشتم به مدرسه برود. آن روز هم حالش کاملا خوب بود.

چند وقتی است که صحبت از مسمومیت دانش‌آموزان در میان است. در مورد اینکه آن روز اتفاق خاصی داخل مدرسه برای دانش‌آموزان دیگر هم افتاده باشد، نشنیدید؟

نه. بچه‌ها گفتند؛ زنگ ورزش بود و تازه شروع شده بود که مهدی يك دفعه روی زمین افتاد.

وقتی این اتفاق برای مهدی افتاد چه کسی با شما تماس گرفت؟

مدیر مدرسه با من تماس گرفت. مهدی در مدرسه «نمونه دانش» کاشمر درس می‌خواند. دانش‌آموزان مدرسه به ما گفتند؛ وقتی مسوولان مدرسه با اورژانس تماس گرفتند، اورژانس حدود بیست دقیقه دیر می‌رسد. وقتی ما خودمان را به بیمارستان حضرت ابوالفضل رساندیم پزشکان گفتند؛ علایم حیاتی مهدی برگشته. خیلی خوشحال شدیم ولی چند دقیقه بعد گفتند که پسر تمام کرده است. من پسر را اصلا در بیمارستان ندیدم.

صحبت آخرتان

گفتند پیکر مهدی باید در پزشکی قانونی کالبدشکافی شود. هنوز هم هیچ چیز مشخص نیست. سه شنبه (۱۶ اسفند ماه) پیش دادستان کاشمر رفتم او هم به من گفت؛ باید صبر کنی. چون روزی که پسر من دچار ایست قلبی شد در يك مدرسه دخترانه هفت دانش‌آموز دختر مسموم شدند.

صحنه ششم؛ دادستان و مسوول روابط عمومی فرمانداری کاشمر

«اسماعیل بلوچزاده» دادستان شهرستان کاشمر در مورد مرگ مهدی نیازی دانش‌آموز ۱۲ ساله به «اعتماد» می‌گوید؛ «من نمی‌توانم مصاحبه کنم. فرماندار کاشمر و حتی يك پزشک در فضای مجازی در مورد مرگ این دانش‌آموز توضیحاتی دادند.»

«مصطفی بزمی» مسوول روابط عمومی فرمانداری کاشمر نیز در مورد مرگ این دانش‌آموز به «اعتماد» می‌گوید؛ «مرگ این دانش‌آموز مربوط به ایست قلبی می‌شود. در مصاحبه‌ای که خود فرماندار کاشمر «امیر داییم‌صراف» با خبرگزاری صدا و سیما داشتند هم بحث ایست قلبی مطرح بود. این دانش‌آموز در ابتدای زنگ ورزش این مشکل برایش پیش می‌آید

و این موضوع هم ربطی به مسمومیت‌های دانش‌آموزان ندارد. هفت دانش‌آموزی هم که همان روز در مدرسه‌شان دچار مسمومیت شدند، دختر بودند. بنابراین موضوع به مدرسه این دانش‌آموز که پسرانه بوده، ربطی پیدا نمی‌کند.»

صحنه آخر؛ پسرعموی مهدی

پسرعموی مهدی در مورد اتفاقی که برای مهدی افتاده به «اعتماد» می‌گوید: «جسد را همان لحظه به پزشکی قانونی انتقال دادند اما خبری که هست این بچه سالم بود. نه بیماری قلبی داشت نه بیماری زمین‌های. هیچ دارویی هم مصرف نمی‌کرد. حدود ساعت ۱۰ الی ۱۱ صبح روز دوشنبه زن عمویم (مادر مهدی) با برادر بزرگ‌ترم تماس گرفت و ماجرا را گفت. برادرم هم به من اطلاع داد و گفت که بیا بیمارستان. مهدی تقریباً یک ساعت در بیمارستان بستری بود و بعد فوت کرد. کادر بیمارستان خیلی تلاش کردند اما مساله‌ای که ما شنیدیم این است که همکلاسی‌هایش گفتند؛ اورژانس بیست دقیقه دیر رسیده. بعد از مرگ مهدی هم دکتر از ما پرسید؛ مهدی چیزی مصرف نمی‌کرد؟ ما هم گفتیم؛ مهدی درسش خوب بود و همیشه بعد از مدرسه سریع به خانه می‌آمد و حتی برای بازی هم به خیابان نمی‌رفت.»

انتشار اخباری مبنی بر مرگ دو دانش‌آموز دیگر

مهدی نیازی تنها دانش‌آموزی نبود که در هفته گذشته جان خود را از دست داد. در همین هفته اخباری در خبرگزاری‌های رسمی مبنی بر مرگ دو دانش‌آموز دیگر؛ «فاطمه رضایی» و «روهام شاه‌ویسی» هم انتشار یافت که نزدیکان این دو دانش‌آموز جزئیاتی را هم در این باره در شبکه‌های اجتماعی مطرح کردند. حالا «اعتماد» به جزئیات این اخبار و روایت خانواده و نزدیکان این دو دانش‌آموز می‌پردازد.

«فاطمه رضایی» دانش‌آموز ۱۱ ساله اهل قم؛ برادرش ادعا کرد: «فاطمه سه هفته قبل از فوتش مدرسه نمی‌رفت. سه، چهار روز قبل از فوت از شدت درد کمر و پا نصف شب از خواب بیدار شد. چون نمی‌توانست بخوابد با کمک قرص آرام‌بخش و ماساژ کمی آرام شد و دوباره خوابید. صبح که بیدار شد باز همان دردها به سراغش آمد... او را به درمانگاه بردیم و بعد از زدن سرم، وقتی اندکی آرام شد به خانه برگشتیم. بعد از چند ساعت دوباره پا درد، کمردرد و دل‌دردش شروع شد و هرچه به او اصرار کردیم که دوباره به دکتر برویم قبول نکرد و گفت؛

